

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۳۹

شنبه ۴ مرداد ۱۴۰۴، ۲۶ جولای ۲۰۲۵

آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست

### حمید تقوایی

اعتراضات مردم خشمگین سبزوار در دو شب متوالی با شعار "آب، برق، زندگی حق مسلم ماست" خط مقدم جنبش زن زندگی آزادی در شرایط مشخص امروز است. همزمان با این حرکت در شب‌های گذشته در چند ایستگاه مترو تهران نیز شعار مرگ بر دیکتاتور سر داده شد و هم چنین در شیراز جوانان با شعارهایی نظیر "مرگ بر خامنه‌ای بچه‌کش" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" در پاسخ به بحران بی‌برقی و بی‌آبی و رژیم که باعث‌بوابی این وضعیت است به میدان آمدند. این اعتراضات پاسداری مردم از زندگی در برابر رژیم مرگ و جنگ و نابودی جمهوری اسلامی است، زندگی‌ای که با بی‌آبی و بی‌برقی عملاً غیرممکن شده است.

از سوی دیگر این حرکات اعتراضی باعث می‌شود تا مسئله جنگ و مذاکرات با آمریکا و اسرائیل که در ماه‌های گذشته به فضای خیری و گفتمان‌ها در رسانه‌ها و افکار عمومی شکل می‌داد حاشیه‌ای شود و دوباره توجه‌ها به اعتراضات مردم معطوف گردد. هم اکنون در مدیای اجتماعی، در ایران اینترنشنال و بی‌پی‌سی فارسی و صدای آمریکا و دیگر رسانه‌های فارسی‌زبان گزارش اعتراضات مردم سبزوار بازتاب گسترده‌ای یافته و به موضوع بحث و تحلیل و ارزیابی تبدیل شده است. جنگ مردم با رژیم دوباره اوج می‌گیرد و به صدر اخبار رانده می‌شود و این به نوبه خود زمینه تقویت و گسترش مبارزات خیابانی و جلب حمایت جهانی از این مبارزات را بیشتر فراهم می‌کند

خیزش سبزوار در شرایطی شکل می‌گیرد که تنش و تخاصمات جنگی پایان نیافته و حمله مجدد اسرائیل احتمال بالایی دارد. مردم در دل این بحران و تنش، جنگ خود با رژیم را به‌پیش می‌برند و این بهترین راه تقابل مردم با سیاست‌های جنگ‌افروزان حکومت نیز هست. در فضای تنش جنگی که از ۷ اکتبر ۲۳ آغاز شد مردم بارها با شعار "جنگ‌افروزی رارها کن فکری به حال ما کن" و "یا جنگ‌افروزی کافیه سفره ما خالیه" به خیابان آمدند و بعد از جنگ ۱۲ روزه نیز شعار و هشتگ "غنی‌سازی زندگی حق مسلم ماست" در مدیای اجتماعی و در فضای اعتراضی جامعه برد وسیعی پیدا کرد. اما شعار "آب برق زندگی حق مسلم ماست" مردم سبزوار ربط مستقیمی به جنگ و جنگ‌طلبی ندارد. با این شعار و شعارهایی نظیر "دشمن ما همین جاست دروغ می‌گن آمریکاست" که ده روز پس از آتش‌بس در همدان سر داده شد و شعار مرگ بر خامنه‌ای در متروی تهران، انقلاب زن زندگی آزادی خود را از زیر آوار جنگ بیرون می‌کشد و ویران‌سازی زندگی توسط خود جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌دهد. حرکت‌هایی

ادامه در صفحه ۴



### بر آمد مجدد اعتراضات مردمی

گفت‌وگو با شهلا دانشفر

صفحه ۲

### اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

### "مرگ بر دیکتاتور" در تهران و به خیابان آمدن

### مردم در سبزوار در اعتراض به قطعی برق و آب

صفحه ۴

### غزه در آتش و خون و قحطی

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۵

### اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

### ویرانگری انسانیت در غزه باید فوراً متوقف شود!

صفحه ۶

### گفتگو با اپوزیسیون، توهم یا واقعیت

اصغر کریمی

صفحه ۷

### سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۸

## برآمد مجدد اعتراضات مردمی

گفت‌وگو با شهلا دانشفر



این گفتمان‌ها راهکاری در چارچوب همان گفتمان ورشکسته اصلاح‌طلبی حکومتی، از طریق تغییراتی تدریجی و نهایتاً تلاشی برای استحاله درونی رژیم و در چارچوب همان نظام موجود نیست.

جلو آمدن چنین گفتمان‌هایی و از سوی دیگر سخنان پزشک‌های مبنی بر امکان‌پذیری "گفت‌وگو با اپوزیسیون" در صورت لزوم که در واقع تلاشی برای کنارزدن همین طیف‌ها و یارگیری‌هایی از درون خود حکومت است، گوشه‌ای دیگری از توازن قوای امروز جامعه و زبونی حکومت را نشان می‌دهد و این در حالی است که دولت پزشک‌های هم‌زمان لایحه دوفوریتی سرکوب معترضینش را به مجلس فرستاده است.

همه این تقلاها در شرایطی است که گفتمان جامعه سرنگونی است و جامعه با امیدواری بیشتری از به پیروزی رساندن انقلاب سخن می‌گوید و بیانیه‌های منتشر شده از سوی نهادهای کارگری و اجتماعی با تأکید بر پایان‌دادن به کل بساط توحش و بربریت حاکم و به هرگونه اعمال قدرتی از بالای سر مردم و با تأکید بر به پیروزی رساندن انقلاب پاسخ روشنی به همه این تقلاهاست.

با این مقدمه و نگاهی مختصری که به اتفاقات سیاسی در بعد از آتش‌بس داشتیم، اجازه بدهید تصویری هم از اعتراضات مردمی در همین ایام بدهم. بحثم را از اتفاقات هفته اخیر شروع می‌کنم. بحران آب و بحران برق باروتی شد بر شعله‌ورتر شدن خشم و نفرت مردم از جنگ‌افروزی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت که اولین طلاهایش را در سبزوار شاهد بودیم. دو شب تحصن مردم این شهر و حرکت اعتراضی آنها در کف خیابان با شعار "آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست" و فریاد "نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم" یک نقطه عطف در اوضاع سیاسی جامعه و نشانه‌ای از عبور از گفتمان‌هایی که جنگ با خود جلو کشیده بود. این اعتراضات چالش مستقیم حکومت بر سر زندگی بود. اعتراضی در راستای تداوم بخشیدن به انقلاب زن زندگی آزادی که یک بازتاب دیگرش شعاردهی‌های شبانه در نقاطی از تهران و شیراز و در مترو با فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی است و امروز مردم با شعارنویسی‌هایشان بر دیوارها و اعلام اینکه سبزوار تنها نیست، و با هم‌صدایی با شعار "آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست" نوید گسترش این حرکت و تصرف دوباره خیابان‌ها را می‌دهند. از جمله به دنبال سبزوار ما شاهد تجمعات اعتراضی مردمی در کوچصفهان به‌خاطر قطعی‌های برق و در روستای ورزنون و نیشابور و صالحیه تهران علیه بحران آب بودیم و این اعتراضات گسترش می‌یابد.

بحران آب بحران زندگی است و در برابر چنین بحران عظیمی است که پزشک‌های رئیس‌جمهور مستأصل این کشور در جلسه هیئت دولت با اشاره به بحران‌های فزاینده کشور از جمله آب و برق هشدار داده و می‌گوید: «در تمام زمین‌ها در لبه پرتگاه هستیم.» و رسماً از ناتوانی دولت در تأمین آب شرب مردم سخن می‌گوید. این گفته‌ها بازتابگر گرفتن خیابان است. قبل از آن نیز او در گفته‌ای از امکان‌پذیری «گفت‌وگو با اپوزیسیون» در صورت لزوم خبر داد در حالی که هم‌زمان لایحه‌ای دوفوریتی برای سرکوب معترضین توسط دولت به مجلس فرستاد شد.

در سطح میدانی نیز اعتراضات بر سر معیشت گسترده است. هشتم تیرماه بود که بازنشستگان تأمین اجتماعی در رشت با فریاد "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید" تجمع کردند و مردم را به پیوستن به صف اعتراض خود علیه فقر و بی‌تامینی و جنگ‌افروزی‌های حکومت و بساط سرکوب و جنایتش فراخواندند و اعلام کردند که یکشنبه‌های اعتراضی تعطیل‌شدنی نیست. این بازنشستگان در تهران نیز همین هفته تجمع داشتند و در کرمانشاه هم برای یکشنبه پنجم مرداد فراخوان داده‌اند. به‌این‌ترتیب بازنشستگان این بخش

**انترناسیونال:** همان‌طور که در جریان هستیم پس از پایان جنگ ۱۲ روزه، جامعه به‌مرور وارد فاز اعتراضی جدیدی شده است. خواستم پیش از هر چیز لطف کنید و تصویری از سیر وقایع و اعتراضات را تا به این لحظه برای خوانندگان ما ارائه دهید.

**شهلا دانشفر:** یک ماه از آتش‌بس می‌گذرد. اوضاع سیاسی ایران تحولی کیفی پیدا کرده است و مهم‌ترین واقعیت جامعه امروز به دنبال آتش‌بس، جلوتر آمدن گفتمان سرنگونی و امید مردم به آن به‌خاطر شکست‌های سختی که حکومت متحمل شده و نیز تأکید بر ادامه انقلاب برای رهاشدن از شر جهنم جمهوری اسلامی است. مردمی که بعد از آتش‌بس جوهر حرفشان این بود که جنگ آتش‌بس شد، اما جنگ مردم بر سر معیشت و زندگی آتش‌بس ندارد.

همان‌طور که اشاره کردم جمهوری اسلامی که در جنگ ۱۲ روزه‌اش با اسرائیل ضربات مهلکی خورده بود و با خفت و خواری تسلیم به آتش‌بس شده بود، در مقابل مردم در موقعیتی ضعیف‌تر و در هم ریخته‌تر قرار گرفت و درحالی که خود را در لبه پرتگاه می‌دید تلاش کرد انتقام شکست در جنگ را از مردم بگیرد و با تشدید سرکوبگری‌هایش مانع از فوران خشم و اعتراض جامعه و سریند کردن دوباره اعتراضات مردمی شود.

از همین رو حکومت فضا را به‌شدت امنیتی کرد. گشت‌ها و ایستگاه‌های بازرسی در همه‌جا و در تمام شهرها مستقر شدند. دستگیری‌ها تحت عنوان شناسایی جاسوسان اسرائیل وسعت گرفت. مصوبه‌ای تحت عنوان "تشدید مجازات جاسوسی" به تصویب مجلس رسید و بعد هم شمار احکام زندان و اعدام و طناب‌های دار را بالا بردند و وقتی در نهم تیرماه در همدان دو جوان آفرود سوار به دست نیروهای تروریست بسیج به قتل رسیدند، مردم همدان به پا خاستند و با فریاد "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست، مرگ بر ستمگر" پاسخ محکمی به حکومت جنایت‌کار و جنگ‌افروزی‌هایش دادند. امروز نیز یک خواست مردم جمع کردن فوری این ایستگاه مرگ از دروازه شهرهاست.

بعلاوه در برابر سرکوبگری‌های حکومت اعتراض علیه زندان و اعدام به یک کارزار سراسری و مردمی تبدیل شد. کارزاری که امروز دارد خود را با گفتمان "هم‌صدای شویم" در داخل کشور و در خارج کشور بیان می‌کند. ضمن اینکه ما شاهد اعتراضات زندانیان در زندان و بلندشدن فریاد اعتراض خانواده‌های زندانیان به دنبال حمله اسرائیل به اوین و برخورد وحشیانه حکومت با زندانیان دربند در انتقال آنان به زندان‌های دیگر بودیم و کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام و تجمعات خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم‌به‌اعدام بدون وقفه جریان داشت و الان دامنه این کارزار به ۴۸ زندان کشیده شده است.

در دل چنین جدال سختی بود که مردم پس از آتش‌بس و مکثی کوتاه برای صف‌آرایی‌های جدید مبارزاتی خود و اخطار دادن‌هایشان در قالب بیانیه‌هایشان صف‌آرایی کرده و به‌تدریج به میدان آمدند.

از سوی دیگر در متن همین اوضاع و احوال شاهد تحرکاتی از سوی جریان‌های دوم‌خردادی و ملی‌اسلامی‌ها و طرح‌ها و آلت‌رانی‌توهای مختلف آنان از طریق بیانیه‌هایشان بودیم. بیانیه موسوی با هفتاد امضا و بیانیه هفده فعال سیاسی تحت عنوان "ما نگران سرنوشت ایرانیم" دو نمونه از این طرح‌ها هستند که از فرماندوم و تشکیل مجلس مؤسسان و "تغییر و یا تدوین یک قانون اساسی جدید برای" گذار مسالمت‌آمیز و خشونت‌پرهیز "سخن می‌گویند. جماعتی که صدای خیابان را شنیده و برای حفظ نظامشان به تکاپو افتاده‌اند و معنای واقعی شعار نخ‌نمای "خشونت‌پرهیزی" شان چیزی جز قیچی کردن روند انقلاب مردم نیست و

## برآمد مجدد اعتراضات مردمی

از صفحه ۲

نقش آفرین معترض جامعه نیز تجمعات گسترده خود را از سر می گیرند.

ما در این مدت همچنین دو اعتصاب مهم کارگران آلومینیوم و ماشین سازی اراک، هر کدام با چهارهزار کارگر داشتیم که بر فضای اعتراض در دیگر مراکز کارگری این شهر تأثیرگذار بود. اعتصاب آلومینیوم اراک در یازدهم تیرماه آغاز شد و نکته قابل توجه زبان تعرضی این اعتراضات در برابر ضعف حکومت است. از جمله وقتی کارگران را تهدید به احضار کردند آنها ایستادند و خواستار استعفای مدیریت شدند. اعتصابی که بیش از دو هفته ادامه داشت و بالاخره زیر فشار آن مدیریت فرصتی یک ماهه خواست که به خواست کارگران پاسخ دهد.

اتفاق دیگر در این مقطع اخراج هزاران نفر از شهروندان افغانستانی همراه با توحش و وحشیگری توسط جمهوری اسلامی بود. اقدامی در ادامه سرکوبگری های حکومت و یک فاشیسم تمام عیار که با موجی از اعتراض مردمی روبرو شد. از جمله ما شاهد صحنه های زیبایی از کمک رسانی از سوی مردم بلوچستان و کرمان بودیم و بیانیه های بسیاری از سوی تشکلهای و نهادهای مختلفی از کارگران، معلمان، مدافعین حقوق کودک و دیگر نهادهای اجتماعی علیه این سیاست فاشیستی بودیم. بیانیه هایی که حمله به شهروندان افغانستانی را حمله به کل جامعه دانسته و آن را شدیداً محکوم می کرد. بیانیه ۱۳۰۰ نفر از کنشگران اجتماعی و سینماگران و هنرمندان و بیانیه ۲۸۵ نفر از فعالان زنان ایران نمونه هایی از آنها هستند.

در این مدت همچنین ناوایان به میدان آمدند و در چندین شهر تجمع داشتند. ناوایان در روزهای قبل از جنگ نیز تجمعات بسیاری برپا کرده بودند و مورد حمایت وسیع قرار گرفتند. ناوایان اولتیماتوم به اعتراض سراسری دادند. حکومت محتاط شد و فوراً اعلام کرد که محدودیت سهمیه آرد را بر می دارد و بعد نان را گران کرد تا مردم و ناوایان را مقابل هم قرار دهد. اما ناوایان اعتراضشان را به مافیای نانیو گسترش دادند و وقتی پاسخ نگرفتند خود مستقیماً وارد عمل شدند و کارت خوان های نانیو را پس دادند. ناوایان همچنان پیگیر مطالبات خود هستند.

بخش معترض دیگر پرستاران هستند و ما تجمع پرستاران یاسوج را داشتیم. پرستاران در بیانیه ای تحت عنوان "ما مرعوب نمی شویم، متحد می شویم" و با اولتیماتوم به پیگیری قدرتمندتر اعتراضاتشان پاسخ محکمی به سرکوبگری های حکومت دادند. همین اخطار دادن ها را در نفت و یا از سوی رانندگان کامیون که قبل از جنگ اعتصاب بزرگی را به پیش بردند و گفتن اعتصابات سراسری را داغ کردند، داده اند. در همین مدت ما همچنین شاهد اعتراضاتی از سوی کارگران نفت در عسلویه و ماهشهر بودیم. همچنین رانندگان کامیون در جاهایی تجمعاتی داشته اند. ضمن اینکه هزاران راننده در سراسر کشور با پیوستن به کارزاری سراسری، خواستار آن شدند که شغل آنها رسماً در فهرست مشاغل سخت و زیان آور قرار گیرد.

علاوه بر اخبار اعتراضی پر صدایی که اشاره شد، در همین مدت اعتراضاتی نیز در دیگر مراکز کارگری از شهرداری ها و راه آهن و نیروگاه دالاهو گرفته تا تراکتورسازی تبریز که بعد از ده روز بالاخره مدیریت عقب نشست و معوقات مزدی کارگران را پرداخت کرد و اعتراضاتی در شماری از کارخانجات در شهرهای مختلف را داشتیم. یک نمونه قابل توجه از این اعتراضات تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پروژه زمزم ۳ صنایع فولاد خوزستان، با خواست بازگشت به کار در سی ام تیرماه است که همراه با خانواده های خود تجمع کردند و به رغم مانع نیروهای حراست، برای پیگیری خواسته شان وارد محوطه مجتمع شدند. شرکت خانواده ها در این حرکت اعتراضی، اقدامی مهم به بویژه در این مقطع سیاسی است که راه نشان می دهد.

بعلاوه اینکه مال باختگان مسکن و بورس و سایپا و غیره نیز تجمعات بزرگی در این مدت داشته اند و در بساط دزدسالار حاکم امروز ما شاهد جنبش بزرگ مال باختگان در ایران هستیم

نگاهی به این تصویر به روشنی پاسخ سؤال شما را می دهد و من سربلند

کردن قدرتمندتر انقلاب را در چشم انداز نزدیک جامعه می بینیم و این بسیار نویدبخش است.

**انتر ناسیونال:** باتوجه به شرایطی که رژیم در آن قرار دارد آیا اعتراضات اخیر را می توان ادامه گفتن و جنبش زن، زندگی، آزادی دانست یا باید آن را در غالب آغاز فصل جدیدی از خواست ها و مبارزات مردم بررسی کرد؟

**شهلا دانشفر:** اعتراضات اخیر مستقیماً به انقلاب زن زندگی آزادی وصل است و به طور واقعی راه به پیروزی رساندن آن را طی می کند. اما به لحاظ عمق و تعیین یافتگی خواست ها و به لحاظ درجه سازماندهی شاید بشود از یک تفاوت کیفی و یا به گفته شما از سر آغاز فصل جدیدی از مبارزات مردمی صحبت کرد.

به عبارت روشن تر همانطور که بارها تأکید کرده ایم جنبش زن زندگی آزادی، جنبشی رادیکال، انسانی و سازمان یافته و قدرتمند است و این ها همه دستاوردهای انقلابی است که در سال ۱۴۰۱ فوراً پیدا کرد. این دستاوردها آن هم در شرایط امروز که حکومت رو به فروپاشی کامل است و توازن قوا بیش از هر وقت به نفع گسترش اعتراضات مردمی است، افق روشن تری برای به پیروزی رساندن انقلاب را مقابل جامعه قرار می دهد. به این اعتبار این انقلاب را نمی شود در نیمه راه سر برید. منشور بیست تشکل بر سر خواست های حداقلی و منشور خواست های پیشرو زنان این دو سند تاریخی انقلاب زن زندگی آزادی همچنان بر روی میز جامعه قرار دارد و فعالین و اکتویست های اجتماعی که صف پیشتاز اعتراضات را تشکیل می دهند در مناسبت های مختلف با تأکید بر این که می خواهند بر صدسال حاکمیت استعمار و بردگی و اعمال اراده از بالای سر جامعه پایان دهند، راه به پیروزی رساندن انقلاب را دنبال کرده اند.

این چنین است که جنبش زن زندگی آزادی امروز در بعدی عمیق تر و با چشم اندازی روشن تر در حرکت است و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را نوید می دهد.

**انتر ناسیونال:** باتوجه به شمشیر داموکس جنگ که همچنان بر فراز سر مردم و جامعه قرار دارد، توصیه شما به فعالین عرصه های مختلف اعتراضی در این شرایط مشخص چیست؟ چه باید کرد تا این بار این اعتراضات بتواند ضربه نهایی را به رژیم وارد کند؟

**شهلا دانشفر:** تا جمهوری اسلامی هست سایه شوم جنگ و ناامنی بر سر مردم باقی است و سرنگونی جمهوری اسلامی پاسخ مردم ایران برای رهایی از جنگ و جنگ افروزی های حکومت و کل بساط جهنمی آن است. توصیه من به فعالین عرصه های مختلف اعتراضی، محاصره حکومت در حلقه تنگ اعتراضاتشان است.

در این راستا تأکید من بر اتحاد مبارزاتی همه فعالین و دست اندرکاران جنبش زن زندگی آزادی و اتحاد نهادهای تشکلهای و شبکه های اعتراضی مردمی برای جلو آوردن آلترناتیو جنبش انقلابی خود در برابر طرح های خیال پردازانه رفراندوم، گذار مسالمت آمیز، مدیریت دوران گذار و تحرکاتی دیگر از این دست از سوی جریان های راست است.

تأکید من بر تکثیر اعتراضاتی است که در سبزوار شاهدش بودیم در تمام شهرها و فریاد آب برق زندگی حق مسلم ماست، در برابر بحرانی به نام آب و جهنمی است که در این گرمای سوزان تابستانی حکومت برای کل جامعه ایجاد کرده است.

تأکید من بر گسترش شعاردهی های اعتراضی شبانه و به هراس انداختن بیشتر رژیم و ناامن کردن فضا برای بساط گشت های بازرسی و نیروهای تروریست بسیجی حکومت است و بالاخره اینکه تأکید من بر گسترش اعتراضات خیابانی برای به عقب زدن گفتن های جنگ افروزان حکومت و فریاد رساتر زن زندگی آزادی است و همه اینها بستری برای شکل دادن به تظاهرات های توده ای و اعتصابات قدرتمند سراسری و به تصرف در آوردن دوباره خیابان ها برای خاتمه دادن به بساط جهنمی جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی از هر وقت دیگر درمانده تر است. با تمام قوا به میدان بیایم.\*

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

## "مرگ بر دیکتاتور" در تهران و به خیابان آمدن مردم در سبزوار در اعتراض به قطعی برق و آب

شب گذشته همچنین در پی قطعی‌های مکرر برق؛ مردم در نقاطی از تهران شعارهای "مرگ بر دیکتاتور" مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر خامنه‌ای بچه کش"، "مرگ بر جمهوری اسلامی" سر دادند و در شیراز جوانان در محلاتی شعار می‌دادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر جمهوری اسلامی".

"غنی‌سازی زندگی حق ماست" که اول بار از سوی بازنشستگان طرح شد، امروز به صدای اعتراض مشترک بخش‌های مختلف جامعه تبدیل شده و هشتگ آن در مدیای اجتماعی با استقبال وسیعی همراه شده است. با این گفتمان مردم، فلج زندگی اجتماعی و سیاست‌های جنگ‌افروزان حکومت و بساط مافیایی حاکم را به چالش می‌کشند.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مرداد ۱۴۰۴، ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۵

بحران برق، آب، هوا و نان کل جامعه را فراگرفته است. بنا بر خبرها آب مناطقی از تهران از جمله غرب تهران بیش از ۱۴ ساعت است که قطع شده و هیچ‌کدام از تلفن‌های آبیفا و وزارت نیرو پاسخگوی مردم نیست و مردم بدون آب و برق در گرمای ۴۰ درجه به حال خود رها کرده‌اند. این وضعیت مردم را به خشم درآورده است. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سیستم اجتماعی در حال فلج کامل است و هیچ‌کس پاسخگوی مردم نیست.

- دیروز و شب گذشته جمعیت بزرگی از مردم شهر سبزوار در اعتراض به قطعی‌های برق و آب مقابل فرمانداری سبزوار تجمع کردند. درحالی‌که هر لحظه بر شمار تجمع‌کنندگان افزوده می‌شد، پلیس با گاز اشک‌آور وارد شده و تلاش در پراکنده کردن جمعیت را داشت و مردم با صدای رسا و پر از خشم فریاد می‌زنند: "نه برق داریم نه آبی، فرماندار تو خوابی"، "نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم"، "مسئول بی‌کفایت استعفا، استعفا"، و "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون".

## جمهوری جنگ افروز اسلامی نابود باید گردد!

اکنون باید آخرین بروز خیابانی این جنبش، خیزش مردم سبزوار را تقویت و تکثیر کرد. زمان آن است که همه نیروهای انقلابی و همه دست‌اندرکاران جنبش زن زندگی آزادی، اعتراضات میدانی که در جامعه در حال شکل‌گرفتن است را در مرکز توجه خود قرار دهند و با بیانیه‌ها و فراخوان‌ها و طومارهای اعتراضی در فضای مجازی و در جامعه و در رسانه‌ها به سخنگو و نماینده مردم برخاسته علیه بی‌آبی و بی‌برقی و بی‌امکانی و علیه رژیم مسبب و مسئول این شرایط غیرقابل تحمل، تبدیل شوند. زمان آن است که همه فعالین و دست‌اندرکاران جنبش زن زندگی آزادی، همه کنشگران و نهادها و تشکلهای شبکه‌ها و شوراهای اعتراضی که در دل انقلاب زن زندگی آزادی شکل گرفتند و به جلو رانده شدند، صف همبسته و متحدی را در شکل یک تشکل چتری و سراسری ایجاد کنند و آلترناتیو جنبش انقلابی را در برابر طرح‌های خیالی و توهم برانگیز رفراندوم و گذار مسالمت‌آمیز و مدیریت دوران گذار و نظایر آن قرار بدهند. می‌توان و باید هم در سطح کلان و در عرصه آلترناتیو قدرت سیاسی، و هم در سطح مبارزات خیابانی پرچم زن زندگی آزادی را برافراشت و جامعه را برای تظاهرات توده‌ای و اعتصابات سراسری آماده ساخت. کلید پیشروی و پیروزی در دست نیروهای انقلابی و دست‌اندرکاران جنبش زن زندگی آزادی است. آستین بالا بزنیم و همبسته و هماهنگ به میدان بیاییم!

۲ مرداد ۱۴۰۴، ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۵

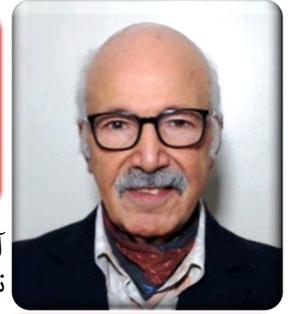
آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست  
از صفحه نخست



نظیر خیزش سبزوار می‌تواند حکومت را به دست کشیدن از غنی‌سازی و دیگر سیاست‌های هوبیتی و جنگ‌افروزانه‌اش وادار کند و حتی اگر جنگ دوباره سرگرفت شرایط را برای تعرض و گسترده مردم فراهم نماید.

ویژگی مهم دیگر این شرایط بن‌بست و بحران و درماندگی همه‌جانبه و بی‌سابقه حکومت و در چشم‌انداز قرارگرفتن سرنگونی جمهوری اسلامی است. اکنون بسیاری از نیروهای سیاسی حتی از درون خود حکومت از فروپاشی و سرنگونی صحبت می‌کنند و علناً در بیانیه‌ها و طومارهایشان خواستار استعفای خامنه‌ای و تغییر قانون اساسی و گذار مسالمت‌آمیز از جمهوری اسلامی می‌شوند. اما توده مردم، صف انقلاب زن زندگی آزادی پاسخ خود را دارد: به زیر کشیدن کل نظام جمهوری اسلامی با همه قوانین و جناح‌ها و سیاست‌هایش. این جنبش سابقه داری است که ده‌ها سال متوالی و مشخصاً از ۱۸ تیر ۷۸، در شکل یک جنبش گسترده سرنگونی طلبانه حضور خود را در جامعه اعلام کرده است و در سه سال اخیر با پرچم زن زندگی آزادی صریح‌تر و ریشه‌ای‌تر، و گسترده‌تر و پیگیرتر از همیشه کمر به نابودی رژیم بسته است.

## غزه در آتش و خون و قحطی



کازم نیک‌خواه

آنچه در غزه می‌گذرد را چه باید نام گذارد؟ تراژدی غزه؟ جنایت علیه بشریت؟ نابودی انسانیت؟ پاک‌سازی قومی؟ فاشیسم اسرائیلی؟ بهر‌استی کلمات برای توصیف آنچه در برابر چشم ما در قرن بیست و یکم در غزه جریان دارد، مطلقاً قاصر و ناتوان‌اند. بیش از دو میلیون انسان در زندانی به وسعت یک شهر محاصره شده‌اند و بر سر آنها هر روز بمب و موشک و آتش فرود می‌آید. امکان تهیه غذا از آنها گرفته شده و محکوم به تحمل گرسنگی و قحطی و مرگ از گرسنگی هستند. راه‌های ورود کمک‌های بشردوستانه به این مردم سد شده است و هر روز شماری از کودکان و مردم سالمند از گرسنگی و بی‌امکانی جان می‌بازند. بنا به گفته سخنگوی حقوق بشر سازمان ملل از ۲۷ ماه مه یعنی طی دو ماه اخیر، ۱۰۷۸ نفر در صف تهیه کمک‌های غذایی توسط ارتش اسرائیل به قتل رسیده‌اند. مدیر بیمارستان شفا در غزه به بی‌پای سی گفت است طی ۷۲ ساعت گذشته ۲۱ کودک بر اثر گرسنگی جان باخته‌اند. او می‌گوید حدود ۹۰۰ هزار کودک در غزه دچار گرسنگی هستند و ۷۰ هزار نفر آنها در وضعیت سوءتغذیه کامل قرار دارند. رویدادهای این چنین تراژیک، و بسیار تکان‌دهنده‌تر از آن هر روز در غزه به‌وفور در حال روی دادن هستند.

نکته مهم این است که به طور واقعی بشریت در برابر این جنایت ساکت نیست. هر روز و هر هفته در گوشه‌وکنار جهان تظاهرات و تجمع و اعتراضات هزاران و صدها هزارنفره علیه جنایات دولت اسرائیل جریان می‌یابد. هر روز و هر ساعت مدیای اجتماعی از ابراز خشم و انزجار سرشار است. هر روز و هر ساعت در کشورهای متعدد جهان در کوچه و خیابان مردم خشم و استیصال و انزجار خود را به اشکال مختلف علیه این نسل‌کشی بیان می‌کنند. از دولت‌ها می‌خواهند کاری بکنند. اما کار چندانی صورت نمی‌گیرد. چراکه در سیستم و دنیای موجود مردم کوچه و خیابان حتی آنجا که حق رأی دارند، قدرت اجرایی ندارند. قدرت رسمی در دست دولت‌ها و ارتش‌ها و یک‌مشت قلدر و جنایت‌کار نظیر ترامپ و نتانیا‌هو و پوتین و خامنه‌ای و امثال این جانیان است. این حقیقت امروز به شکل آشکاری در برابر چشم ما قابل لمس است. در خود اسرائیل بخش زیادی از مردم با دولت نتانیا‌هو و جنگ و جنایاتش به شدت مخالف‌اند و همین روز گذشته هزاران نفر به خیابان آمدند و علیه این نسل‌کشی. شعار دادند. جوانان برکه‌های احضار به ارتش را آتش زدند و گفتند ما در جنایات نتانیا‌هو شریک نمی‌شویم. بسیاری از سربازان از رفتن به جنگ امتناع می‌کنند. در آمریکا و اروپا و همه جای جهان مردم دارند علیه جنایات و نسل‌کشی. در غزه فریاد می‌زنند. اما جنگ و جنایت و خونریزی و جهنم علیه مردم بی‌دفاع غزه همچنان ادامه دارد.

### نوری در دل تاریکی

وضعیت فلسطین یک کلاف سردرگم سیاسی است. فاشیسم اسرائیلی و فاشیسم اسلامی به ادامه فاجعه و معمای خونبار فلسطین نیاز دارند. جمهوری اسلامی یکی از نیروهای است که با طرح نابودی کامل اسرائیل از کره زمین، به این کشاکش بیش‌ازپیش دامن زده است و با حمایت فعال از جریانات تروریستی نظیر حماس و حزب‌الله تنور جنگ و جنایت را داغ‌نگه داشته است. فاشیست‌های یهودی و دست راستی نیز از تبلیغات ضد یهودی و ضد اسرائیلی جمهوری اسلامی و جریانات نیابتی‌اش به‌خوبی استفاده کرده و از آن برای بر سر قدرت ماندن و پیشبرد سیاست‌های جنایت‌کارانه‌شان علیه فلسطینی‌ها بهره‌گرفته‌اند. هر دو سوی این کشاکش

آشکارا یکدیگر را تغذیه می‌کنند. شواهد بسیاری از اینکه فاشیسم اسرائیلی به حماس و حزب‌الله در برابر سازمان‌الفتح کمک می‌کرده و میدان داده و آنها را تقویت کرده است وجود دارد. روی کار آمدن جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی، کلاً مسئله فلسطین را صدمبار پیچیده‌تر و حادث‌کرده است. اما اگر بخواهیم از روزنه‌ای به روشنایی، یا از نقطه‌ای نسبتاً امیدبخش سخن بگوییم این است که امروز جنبش جهانی عظیمی در دفاع از غزه جریان دارد و در نتیجه آن، گفتمان دو دولت مستقل فلسطینی و اسرائیلی بیش از هر زمان همه‌گیر شده و وسعت گرفته و روی میز دنیا آمده است. وسیعاً این گفتمان هم در سطح رسانه‌ها و مردم، و هم در میان دولت‌ها مطرح است. شاید در میان این جهنم و جنایات و نسل‌کشی جاری، سخن از تشکیل دولت مستقل فلسطینی خواب‌وخیال به نظر برسد. اما به طور واقعی و متأسفانه با هزینه‌ای بسیار سنگین یعنی با قربانی شدن بیش از ۵۰ هزار نفر از مردم غزه طی یک سال و ده ماه گذشته و آوارگی و قحطی و رنج‌های غیرقابل‌توصیف این مردم، گفتمان صلح و آتش‌بس همراه با گفتمان دو دولت وسیعاً مطرح شده است. این گفتمان که باید به این تراژدی به شکلی ادامه کار پایان داد وسیعاً مطرح است. روشن است که باوجود روی کار ماندن دولت فاشیست و دست راستی نتانیا‌هو و ترامپ عملی شدن این چنین تحولی غیرممکن به نظر می‌رسد. اما نباید قدرت آنها را مطلق و بی‌انتهای فرض کرد. در تحلیل نهایی حتی اگر سیستم‌های حاکم قدرت مردم را برسمیت نشناسند، خیابان می‌تواند حرف خود را به کرسی بنشاند و خواهد نشاناند. می‌توان امیدوار بود که با پایان این جنگ و این نسل‌کشی، نیروهای مثل نتانیا‌هو و فاشیست‌های اسرائیلی با قدرت مردم متمدن کنار زده شوند، جمهوری اسلامی نیز در ایران با انقلاب مردم سرنگون گردد و جریانات تروریست اسلامی حاشیه‌ای و تضعیف شوند و فشار مردم دنیا بتواند بحث دو دولت و آشتی و همزیستی را به این منطقه زخم خورده و فاجعه‌زده بیاورد.

در کل بیش از ۱۵۰ کشور جهان از راه‌حل دو دولت مستقل فلسطین - اسرائیل رسماً دفاع می‌کنند. سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیز با چنین طرحی اعلام حمایت کرده است. حتی در گذشته دولت‌های اسرائیلی نیز در مقاطعی از طرح دو دولت حمایت کرده‌اند. اخیراً امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه بار دیگر این موضوع را مورد تأکید قرار داد. ماه پیش نیز در کنفرانس سازمان ملل در نیمه ماه ژوئن این بحث به‌طور جدی مطرح شد و مکرون گفت تشکیل دو دولت مستقل یک ضرورت سیاسی مبرم است. دولت استرالیا نیز اخیراً اعلام کرد که به رسمیت شناختن فلسطین باید با تأکید بر دو دولت مستقل فلسطینی و اسرائیلی تقویت شود و جلو برود. اندونزی نیز اخیراً بر تشکیل دو دولت تأکید کرده است. این گفتمان‌ها زیر فشار افکار عمومی مردم جهان و همبستگی با مردم غزه و فلسطین صورت می‌گیرد. اکثر این دولت‌ها مرز دو دولت را مرزهای قبل از جنگ ۱۹۶۷ اعلام می‌کنند. یعنی تأکید می‌کنند که اسرائیل باید به پشت مرزهای قبل از ۱۹۶۷ بازگردد. اما برخی در آمریکا و اروپا مسئله مرز دو دولت را به نتیجه مذاکره و توافق میان مقامات دو دولت احتمالی موکول می‌کنند که در واقع بازگشت به همین وضعیت کشاکش و فاجعه‌بار کنونی است.

به هر رو واقعیت متأسفانه نشان داده است که حل مسئله فلسطین به‌سادگی ممکن نیست. اما می‌توان به درجه‌ای امیدوار بود که این معمای خونین و فاجعه‌بار در پس این جنگ و کشتار فجیع به یک پایان انسانی نزدیک شود. به‌ویژه چشم‌انداز سرنگونی جمهوری اسلامی با انقلاب مردم در ایران و کنار زده شدن نتانیا‌هو در اسرائیل، که هر دو در افق دیده می‌شوند، می‌تواند به این تحول بسیار کمک کند.\*

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

## ویرانگری انسانیت در غزه باید فوراً متوقف شود!

می‌گذرد، بی‌هیچ تردیدی مصداق نسل‌کشی و پاک‌سازی قومی است، و باید با همین عنوان شناخته و به شدت محکوم شود.

میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تاکنون در همبستگی با مردم فلسطین دست به تظاهرات زده‌اند و از دولت‌های مختلف خواسته‌اند که برای توقف این جنایات، فشار همه‌جانبه‌ای بر دولت اسرائیل وارد کنند. اخیراً وزرای خارجه ۲۵ کشور جهان، از جمله ایتالیا، فرانسه، اتریش، بریتانیا، بلژیک و کانادا، نیز گریچه با تأخیری غیرقابل‌توجهیه، در بیانیه‌ای مشترک خواستار پایان هرچه سریع‌تر خشونت و کشتار غیرنظامیان در نوار غزه شده‌اند. این امر نشان می‌دهد که اعتراض جهانی می‌تواند به عاملی مهم برای پایان‌دادن به این جنگ ضدانسانی علیه مردم فلسطین تبدیل شود.

دولت آمریکا، به‌عنوان پشتیبان اصلی دولت اسرائیل، نیز باید از جهات مختلف تحت فشار قرار گیرد تا به حمایت نظامی و سیاسی خود از دولت اسرائیل پایان دهد.

حزب کمونیست کارگری در کنار مردم ستمدیده فلسطین، خواهان توقف فوری حملات دولت اسرائیل به غزه، خروج بی‌درنگ نیروهای اشغالگر اسرائیلی از این مناطق و به‌رسمیت شناختن دولت فلسطینی است. مردم فلسطین حق دارند در سرزمین خود به حاکمیت دست یابند و دولت اسرائیل موظف است این حق را به رسمیت بشناسد.

ما حماس را نه نماینده مردم فلسطین بلکه جریانی ارتجاعی و تروریستی می‌دانیم و از تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی برابر با اسرائیل - بر پایه اصول سکولار و دموکراتیک - قاطعانه حمایت می‌کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ تیر ۱۴۰۴، ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۵

گسترده از قبل پیا می‌خیزیم!

دست‌به‌دست هم می‌دهیم!

ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و

عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر

دست بلند می‌کنیم.

زن زندگی آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، وضعیت غزه را «جهنم روی زمین» توصیف کرده است؛ و این جهنم را دولت فاشیستی اسرائیل به رهبری بنیامین نتانیاهو برای مردم بی‌دفاع این سرزمین رقم زده است.

غزه امروز به ویرانه‌ای تمام‌عیار بدل شده است. بیش از ۷۰ درصد ساختمان‌های مسکونی یا به‌کلی ویران شده‌اند یا آسیب‌های شدید دیده‌اند. شهرها و محله‌هایی چون شجاعیه، خان‌یونس و رفح طی ماه‌ها بمباران زمینی، هوایی و دریایی، عملاً از نقشه جغرافیایی محو شده‌اند. زیرساخت‌های حیاتی همچون بیمارستان‌ها، مدارس، شبکه‌های آبرسانی و فاضلاب، مراکز درمانی و نیروگاه‌های برق یا نابود شده‌اند یا به‌کلی از کار افتاده‌اند. بیش از ۹۰ درصد جمعیت غزه آواره شده‌اند و بسیاری از آنان در پناهگاه‌های موقت یا در فضای باز، در شرایطی اسفناک و غیرانسانی روزگار می‌گذرانند.

غزه در آستانه قحطی کامل قرار دارد. دارو، آب آشامیدنی، سوخت و غذا به‌شدت کمیاب شده‌اند و روند کم‌کسانی تقریباً به حالت فلج درآمده است. ارتش اشغالگر اسرائیل با ممانعت و کارشکنی در مسیر کمک‌های انسانی، حتی محل‌های توزیع اندک و ناکافی این کمک‌ها را نیز به میدانی برای قتل‌عام مردم تبدیل کرده است.

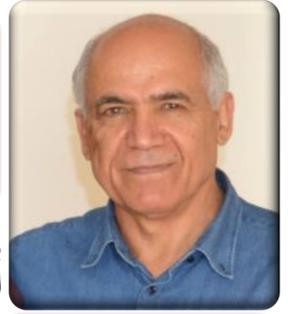
بر پایه گزارش دفتر حقوق بشر - سازمان ملل (OHCHR)، تنها در عرض شش هفته، ۸۷۵ مورد مرگ در محل‌های توزیع کمک‌ها ثبت شده است. شمار کل قربانیان حملات ارتش اسرائیل تاکنون به بیش از ۶۵ هزار کشته و ۱۴۲ هزار مجروح رسیده است - آمار که هنوز تمام ابعاد فاجعه را بازتاب نمی‌دهد.

این همه جنایت و سببیت، نه در تاریکی اردوگاه‌های مرگ همچون آنچه فاشیست‌های آلمانی در جنگ جهانی دوم علیه یهودیان مرتکب شدند و بسیاری از آن بی‌خبر ماندند، بلکه آشکارا و بی‌هیچ پرده‌پوشی، در برابر چشمان جهانیان و در معرض دوربین‌های رسانه‌ای جهان رخ می‌دهد. امروز حتی کسانی که مرتکب این‌همه جنایت و قساوت می‌شوند در مقابل انظار عمومی بی‌شرمانه به این اعمال جنایت‌کارانه خود افتخار می‌کنند.

همه این جنایات بر متن و به بهانه مقابله با نیروهای اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد که با حمله ۷ اکتبر این نسل‌کشی را کلید زدند. جمهوری اسلامی و حماس و دیگر نیروهای تروریست اسلامی در جنایت دست‌کمی از نتانیاهو و دولت اسرائیل ندارند. اگر آمار قربانیانشان در این جنگ کمتر از دولت نتانیاهو است تنها به این خاطر است که توانش را ندارند. بالاخره هر نیروی آدم‌کشی به‌اندازه وسع خودش جنایت می‌کند.

گروگان‌گیری از مردم یکی از ابعاد توحش نیروهای اسلامی است؛ اما هیچ وجدان‌بیداری نمی‌تواند باور کند که جنایات وحشیانه دولت اسرائیل، تنها برای آزادی پنجاه گروگان باقی‌مانده نزد سازمان تروریستی حماس - که بی‌تردید باید آزاد شوند - صورت می‌گیرد. آنچه در غزه

## گفتگو با اپوزیسیون، توهم یا واقعیت



اصغر کریمی

توانش را هم دارند؟

پزشکیان همین امروز در مصاحبه‌ای گفت در لبه پرتگاه قرار داریم که با ضد حمله تند مخالفانش روبرو شد. اما بیشتر از پرتگاه، روحیه درهم‌شکسته و ناامید او جلب توجه می‌کرد. می‌توان تصور کرد که رهبر که چند هفته است در پناهگاه به سر می‌برد و بار مسئولیت همه شکست‌ها را به دوش می‌کشد و از اسرائیل و شیطان بزرگ سیلی سختی خورده است، روحیه‌ای به مراتب شکسته‌تر دارد و وقتی رهبر و رئیس‌جمهور در چنین حالی هستند تکلیف بقیه نیز روشن است. این روحیه ناشی از شکست‌های پی‌درپی در همه زمینه‌ها است از سیاست خارجی و دیپلماسی تا در هم شکستن گروه‌های نیابتی، از خفت ناشی از شکست در مقابل اسرائیل و از دست دادن فرماندهان و دانشمندان اتمی تا نفوذ جاسوسان در سطوح مختلف حکومت، از ناترازی! اقتصادی تا بحران آب و برق و گرانی‌های غیرقابل‌مهار، از فساد سیستماتیک تا بی‌اعتمادی فزاینده در میان نیروهای سرکوب، و بی‌افقی محض برای آینده و مهم‌تر از همه روحیه امیدوار و تعرضی مردم علیه حکومت. پزشکیان در مصاحبه امروز وضع گروه حاکم را این‌طور توصیف کرد که «خیلی کوچک‌اند و روزی‌روز کم‌تر می‌شوند.» در واقع دارد به عدم مشروعیت کامل باند خامنه‌ای و هسته سخت نظام که دیگر سخت! هم نیست اشاره می‌کند. در چنین شرایطی نیاز به جذب برخی از مقامات سابق و منتقدان درون حکومتی را برای کاهش گوشه‌ای از بحران و کسب کمی مشروعیت در لایه بزرگ‌تری از حکومت درست تشخیص داده است؛ اما حکومتی که در حال وارفتن است، در لبه پرتگاه قرار گرفته و به شدت بی‌ثبات است، بیشتر در حال تجزیه است تا جذب نیرو. فرماندهی که خود را در لبه پرتگاه معرفی می‌کند فقط در حال از دست دادن همان تئمه کوچک خودی‌ها است تا اضافه کردن نیرو.

پزشکیان هم‌زمان با طرح گفتگو با اپوزیسیون! درست در همان روز لایحه‌ای دوفوریتی به مجلس فرستاد که هر گونه تبلیغ خبری خلاف واقع! و یا در واقع هر نوع مطلب انتقادی به حکومت در فضای مجازی با مجازات‌هایی تا ۱۵ سال زندان مواجه می‌شود. اصلاح‌طلبانی که پرچم سفید بلند کرده تا در رکاب خامنه‌ای خدمت کنند انتظارشان حتی این نیست که استاندار و فرماندار جایی بشوند. تنها انتظار داشتند که حرفشان و نقدشان این‌ور و آن‌ور شنیده شود؛ ولی پزشکیان گریه را دم حجله کشت. همراه کردن منتقدین درون نظام با توجه به این توضیحات توهمی بیش نیست. این حکومت حتی ظرفیت گفتگو با دلسوزان خودش را هم ندارد چون می‌داند که هر دریچه‌ای که باز کند این مردم‌اند که پا را لای در می‌گذارند و وارد صحنه می‌شوند.

نظام همانطور که پزشکیان می‌گوید در لبه پرتگاه قرار گرفته است؛ اما جامعه در لبه یک انفجار عظیم است و دارد آماده می‌شود که نظام را از لبه پرتگاه به داخل پرتگاه هدایت کند. تاریخ مصرف اصلاح‌طلبانی که آماده خدمت به نظام شده‌اند دیر زمانی است به پایان رسیده است همانطور که تاریخ مصرف خود حکومت به پایان رسیده است.

جامعه با تمام قوا، خوش‌بین‌تر و مصمم‌تر از همیشه، باید خود را برای ضربه نهایی سازمان بدهد. اعتراض مردم سبزوار به بی‌آبی و با شعار آب برق زندگی حق مسلم ماست، نقطه عطفی در پایان یافتن فضای دوره جنگ و آتش‌بس و گفتمان‌های این دوره بود. جنبش عظیم زن زندگی آزادی بار دیگر در قالب شعارهای مختلف حول زندگی سرش را بلند کرده است. \*

پزشکیان گفته است که آماده‌ایم با اپوزیسیون گفتگو کنیم. روشن است که منظور او گفتگو با «اپوزیسیون خودی» است. اینها نه تنها هزاران نفر از اعضای اپوزیسیون را اعدام و ترور کردند؛ بلکه حتی سر میز مذاکره هم قاسملو رهبر حزب دمکرات را در اتریش سلاخی کردند. منظور پزشکیان حتی نیمه اپوزیسیونی مثل موسوی و تاج‌زاده هم نیست. منظور بخشی از حکومت، مقامات قبلی و حاشیه حکومت است که انتقاداتی به سیاست‌های حاکم دارند و مورد نامهربانی و حتی فحاشی و انواع اتهامات قرار گرفته‌اند.

اما نفس همین گفته پزشکیان نکته‌ای را نشان می‌دهد. یک ضرورت واقعی او را به اینجا کشانده است. این را هم در نظر بگیریم که پزشکیان این مسئله را از قبل با خامنه‌ای مطرح کرده و با شاید خامنه‌ای چنین پیشنهادی را به او توصیه کرده است. همانطور که بکار بردن کلمه اسرائیل توسط پزشکیان و یا اینکه سیاست ما محو اسرائیل نیست توسط عراقچی قطعاً از قبل با رهبر مورد توافق قرار گرفته است. رهبری که دیگر رهبر سابق نیست. فصل الخطاب نیست و در بدترین مخمصه تمام دوران خود قرار گرفته است.

اما هدف پزشکیان از طرح این موضوع چیست؟ آیا زمینه‌ای هم دارد؟

این روزها میرحسین موسوی طرح فراندوم و مجلس مؤسسان برای تغییر قانون اساسی را مطرح کرده و صدها نفر از اصلاح‌طلبان شامل برخی مسئولین سابق حکومت از آن استقبال کرده‌اند. تاج‌زاده هم در همان راستا خواهان کنار رفتن علی خامنه‌ای شده است. اما در مقابل جبهه دیگری در میان اصلاح‌طلبان شکل گرفته است. افرادی مانند زیدآبادی، رحمت‌الله بیگدلی و سعید رضوی فقیه می‌گویند طرح موسوی در این اوضاع و احوال عاقلانه نیست و «در حالی که هنوز خطر حمله مجدد اسرائیل و حامیانش رفع نشده است طرح فراندوم و مجلس مؤسسان می‌تواند بهانه‌ای به دست دشمن بدهد که با فضا سازی رسانه‌ای کشور را به آشوب بکشد تا زمینه حمله مجدد فراهم آید.» ۴۵۰ نفر از همین طیف بیانیه‌ای در تحریم تلویزیون ایران اینترنشنال و در جهت تقویت نظام منتشر کرده‌اند و قالیباف آنها را ستایش کرد.

در چنین شرایطی طرح گفتگو با اپوزیسیون توسط پزشکیان چند هدف هم‌زمان را دنبال می‌کند. از یکطرف می‌خواهد جناح منتقد موسوی را که حاضر به خوش‌خدمتی بیشتر به جناح حاکم هستند به جناح حاکم نزدیک‌تر کند و از طرف دیگر جناح موسوی - تاج‌زاده را حاشیه‌ای کند. به غرب و مشخصاً اسرائیل و آمریکا و همین‌طور به مردم هم این سیگنال را بدهد که نه تنها جنگ باعث قیام و سرنگونی نشد؛ بلکه حکومت را منسجم‌تر کرد.

واقعیت این است که جناح حاکم کارنامه‌ای جز شکست ندارد. تمام سیاست‌هایش جلو عالم‌وادم شکست خورده است. نه قادر به تخفیفی در ابربحران‌های داخلی است و نه دیپلماسی موفق دارد، نه رهبرش دیگر رهبر سابق است و نه نیمه انسجام گذشته را دارد، چنان در بی‌افقی و وحشت از موقعیت خود و کل نظام قرار دارد که احتیاج دارد دستش را به بخشی از منتقدان مدافع نظام دراز کند و آنها را با لقب افتخارآمیز اپوزیسیون مزین کند. مخاطبیتش نیز موقعیت درهم‌شکسته جناح خامنه‌ای را به‌خوبی می‌داند و با بیانیه‌ها و مخالفتشان با طرح موسوی تلاش می‌کنند سهمی در گوشه‌ای از حاکمیت پیدا کنند. هر دو طرف به این نزدیکی نیاز دارند. اما آیا

## سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

رسیدگی فوری به مشکلات کاری و معیشتی خود شدند.

در این روز همچنین کارگران فولاد خراسان در اعتراض به بساط مافیایی و رانت‌خواری مدیریت و وضعیت بد کاری و معیشتی خود تجمع کردند.

آخرین خبر مربوط به حرکت اعتراضی زندانیان تهران بزرگ در اعتراض به اعدام‌هاست. این زندانیان در حرکتی اعتراضی در حیاط این زندان، دست در دست هم داده و سرودخوانی هم‌صدا صحنه زیبایی از اعتراض به احکام اعدام را آفریدند. جعفر پناهی کارگردان سرشناس ایرانی با انتشار فیلمی از این حرکت در صفحه اینستاگرامش نوشت: "آنان که خود سال‌هاست قربانی سرکوب، شکنجه و محاکمات فرمایشی‌اند، فریاد زدند: "ایران را نمی‌توان به دار آویخت، و صدای مردم را نمی‌توان سانسور یا تحریف کرد."

هم اکنون جنبشی قدرتمند علیه زندان و اعدام و با نماد "هم‌صدا شویم" در داخل و در خارج کشور جریان دارد. در حمایت از زندانیان سیاسی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان طوماری را به امضا گذاشته است که خواست‌های موردتأکید آن از جمله عبارت‌اند از: توقف هرگونه تصمیم‌گیری برای تغییر کاربری زندان اوین، انتقال زندانیان به محل‌هایی ایمن، بهداشتی و متناسب با وضعیت آن‌ها، تضمین حقوق اولیه زندانیان، از جمله دسترسی به درمان، وکیل و تماس با خانواده برای همه زندانیان در همه شهرها و استان‌ها، آزادی همه زندانیانی که به دلیل کهولت سن یا بیماری‌های خاص، به‌واسطه‌ی قانون و به دلیل عدم تحمل کیفر باید آزاد شوند، آزادی بی‌قیدوشرط همه زندانیان صنفی، سیاسی و مدنی که بدون ارتکاب هرگونه رفتار بزهکارانه‌ای، صرفاً به جرم تلاش برای عدالت، آزادی و زندگی شرافتمندانه برای همه شهروندان، مورد غضب و تنگ‌نظری مسئولان قضایی و امنیتی قرار گرفته‌اند.

ندای زنان ایران نیز در بیانیه‌ای تحت عنوان "صدای کسانی باشیم که در زندان‌ها، زیر سایه اعدام و سرکوب هستند!" از وضع اسف‌بار زندانیان زن سخن گفته و می‌نویسد: "هیچ انسانی نباید به جرم اعتراض و بیان اندیشه و عقیده خود به بند کشیده شود. چماق زندان و اعدام را باید برای همیشه از سرزندگی کوتاه کرد."

"ندای زنان ایران" ضمن محکوم کردن رفتارهای به‌غایت سرکوبگرانه علیه زندانیان سیاسی به‌ویژه زنان زندانی سیاسی در زندان‌های قرچک ورامین، لاکان رشت، سپیدار اهواز، کرمان، ارومیه و سراسر کشور، از همه نهادهای مردمی و حقوق بشری و از همه انسان‌های آزادی‌خواه می‌خواهد علیه بساط زندان و اعدام و سرکوب متحدانه، هم‌صدا شویم: آزادی بی‌قیدوشرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران! - توقف فوری همه اعدام‌ها و لغو کامل مجازات اعدام در ایران!"

حزب کمونیست کارگری هم‌صدا با تمامی این کارزارها برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام حمایت و پشتیبانی می‌کند و بر این هم‌صدایی در سطح جامعه و بین‌المللی تأکید دارد.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۳۰ تیر ۱۴۰۴، ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۵

## تجمع اعتراضی بازنشستگان در رشت، و اخباری دیگر

امروز یکشنبه ۲۹ تیر بازنشستگان تأمین اجتماعی همراه با شماری از فعالین معلم بنا بر فراخوان قبلی خود همچون هفته‌های گذشته به خیابان آمده و با شعار "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید" و "کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد" پیگیر مطالبات خود شده و صدای اعتراضشان را بلند کردند. تجمع‌کنندگان همچنین با خواندن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی..." کل بساط توحش و بربریت حاکم را به چالش کشیدند.

- روز گذشته ۲۸ تیر کارگران اخراجی نیروگاه دالاهو در کرمانشاه با خواست بازگشت به کار دست به تجمع زدند و با بستن جاده کوشیدند صدای اعتراضشان را بلند کنند. این کارکنان که سابقه فعالیت مستقیم در بهره‌برداری از نیروگاه را دارند، مدت‌هاست در پی احقاق حقوق خود هستند.

- همچنین در روز جمعه ۲۷ تیرماه جمعی از کارگران بخش فضای سبز شهرداری زاهدان از پرداخت‌نشدن حقوق خود در چهار ماه گذشته خبر دادند. بنا بر خبرها در منطقه پنج شهرداری زاهدان، تنها در بخش فضای سبز بیش از ۷۰ کارگر حضور دارند که هیچ‌گونه دریافتی از ابتدای سال ۱۴۰۴ نداشته‌اند. کارگران شرکتی فضای سبز ماهانه حدود ۱۰ میلیون تومان حقوق دارند که آن‌ها ماه‌ها پرداخت نمی‌شود. وضعیت در سایر مناطق شهرداری نیز مشابه است و بخش فضای سبز در همه مناطق از پرداخت حقوق محروم مانده است. دستمزدهای پرداخت نشده یک موضوع سراسری اعتراضات کارگری است.

- خبر دیگر حاکی از تعویق پرداخت سه ماه مزد و چهار ماه حق بیمه بیش از چهارصد کارگر شرکت سیمکو رشت است. این کارگران از فروردین‌ماه سال جاری تا به امروز، فقط یک ماه حقوق گرفته‌اند. طبق گزارش‌ها، در پی اعتراضات کارگران به این موضوع تاکنون بیش از ۲۰ نفر از کارگران توسط مدیرعامل از کار اخراج و به‌خاطر وضعیت وحشتناک موجود حدود ۳۵ نفر استعفا داده‌اند. کارگران با رسانه‌ای کردن این خبر صدای اعتراضشان را بلند کردند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۲۹ تیر ۱۴۰۴، ۲۰ ژوئیه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## آزادی حسین میربهراری، اعتراض رانندگان، کارزارها علیه اعدام و در دفاع از زندانیان

حسین میربهراری، از چهره‌های شناخته شده و محبوب دفاع از حقوق کودک و از بنیان‌گذاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، پس از ۳۰ روز بازداشت و تحمل سلول انفرادی، روز گذشته ۲۹ تیر با تودیع وثیقه آزاد شد. او در سی و یکم خردادماه در منزل شخصی خود واقع در شهر پردیس بازداشت شده بود. دستگیری او با اعتراض وسیعی روبرو شده و حمایت‌های بسیاری از سوی نهادهای دفاع از حقوق کودک، و نهادهای کارگری و اجتماعی دیگر از او ابراز حمایت کردند. آزادی حسین میربهراری را به او، به خانواده وی و به همگان شادباش می‌گوییم. پرونده قضایی تشکیل شده برای او باید کاملاً لغو شود.

اعتراضات در میان بخش‌های مختلف کارگری گسترش می‌یابد. امروز ۳۰ تیر جمعی از رانندگان در اعتراض به وضعیت نامشخص ثبت سفارش‌های خودرو که ماه‌ها بلا تکلیف مانده‌اند، مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت تجمع کردند. آنها با سردادن شعار "راننده بیدار است از ظلم و ستم بیزار است" خواستار تسریع در روند واردات خودرو و

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

## آزادی اسماعیل گرامی، سه‌شنبه‌های نه به اعدام، تجمع کارگران اخراجی پروژه زمزم ۳ فولاد خوزستان همراه با خانواده‌ها و اخباری دیگر

روز دوشنبه، ۳۰ تیرماه، اسماعیل گرامی، کارگر بازنشسته و از فعالین محبوب اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی، آزاد شد. آزادی اسماعیل گرامی را به او، خانواده‌اش و همگان تبریک می‌گوییم. اسماعیل گرامی به دلیل حق‌طلبی‌اش به یک سال حبس محکوم شده بود و با وجود ۶۹ سال سن، این دوره را در زندان طی کرد. این نمونه‌ای از سرکوب‌گری وحشیانه حکومت اسلامی است. در حال حاضر، فعالین دیگری نیز در سن بازنشستگی و محروم از دارو و درمان در زندان به سر می‌برند. یک نمونه، راحله راحمی‌پور، زندانی بازنشسته و دادخواه ۷۴ ساله است که با وجود بیماری‌های صعب‌العلاج و خطرناک و دور از دسترسی به درمان، در زندان نگهداری می‌شود و در معرض خطر جدی قرار دارد. علیه سرکوب‌گری‌های حکومت هم‌صدا شویم و با اعتراض سراسری و قدرتمند خود، درهای زندان‌ها را بگشاییم.

جنبش نه زندان و اعدام، با فریاد هم‌صدا شویم از داخل تا خارج کشور با قدرت ادامه دارد. امروز، سی و یکم تیرماه، کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۴۸ زندان مختلف، در هفته هفتاد و هشتم خود تداوم یافت. در بخشی از بیانیه هفتگی این کارزار چنین آمده است:

"اعضای کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» با تمام وجود این موج خشونت‌بار، غیرانسانی و ظالمانه اعدام‌ها و سرکوب زندانیان را محکوم می‌کند. اعدام نه راه عدالت، بلکه ابزار هراس‌افکنی است. ما بار دیگر تأکید می‌کنیم که جان هیچ انسانی نباید به دست حکومت‌ها گرفته شود، به‌ویژه در شرایطی که روند دادرسی عادلانه وجود ندارد و حقوق اساسی متهمان به‌صورت آشکار و سیستماتیک نقض می‌شود. صدای ما، فریاد «نه به اعدام» است؛ صدایی که هر سه‌شنبه بلندتر و رساتر خواهد شد، تاروی که اعدام در ایران برای همیشه متوقف گردد." وسیعاً با این کارزار هم‌صدا شویم.

از سوی دیگر، اعتراضات گسترده علیه فقر، بی‌تأمینی و تعرضات معیشتی حکومت و سرمایه‌داران مفت‌خور، پاسخی محکم به سرکوب‌گری‌های حکومت است. روز گذشته، ۳۰ تیرماه، کارگران اخراجی پروژه زمزم ۳ صنایع فولاد خوزستان، با خواست بازگشت به کار، همراه با خانواده‌های خود، مقابل این شرکت تجمع کردند و به‌رغم ممانعت نیروهای حراست، برای پیگیری خواسته‌شان وارد محوطه مجتمع شدند. این کارگران که در سال‌های گذشته در تمامی مراحل ساخت و احداث این پروژه شاغل بودند، پس از افتتاح آن، از کار اخراج شدند. به گفته کارگران، این اخراج در حالی صورت گرفته که به آنان در حین ساخت پروژه، وعده اشتغال پس از افتتاح داده شده بود. کارگران اخراجی پروژه‌های زمزم در خردادماه نیز تجمعات چندروزه‌ای مقابل این مجتمع فولادی برگزار کرده بودند.

شرکت خانواده‌ها در این حرکت اعتراضی، اقدامی مهم در جهت تقویت مبارزه و جلب همبستگی مردم است. حزب کمونیست کارگری بر نقش و جایگاه خانواده‌ها در قدرت‌بخشی به اعتراضات کارگری تأکید دارد. حرکت اعتراضی کارگران اخراجی پروژه‌های زمزم صنایع فولاد خوزستان می‌تواند الگویی سراسری برای تمامی کارگران باشد.

خبر اعتراضی دیگر مربوط به تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در

اعتراض به سرکوب، بی‌حقوقی، گرانی و تورم، و شرایط غیرقابل تحمل زندگی است. این هفته، بازنشستگان در رشت و تهران دست به تجمع زدند.

تجمع بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی در رشت، همان‌طور که پیش‌تر گزارش کردیم، در برابر سازمان تأمین اجتماعی استان گیلان و با فریاد «کارگر زندانی، معلم زندانی، آزاد باید گردد» برگزار شد. بازنشستگان تأمین اجتماعی در تهران نیز با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراضی، مقابل ساختمان مرکزی این سازمان تجمع کردند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۳۱ تیر ۱۴۰۴، ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

### سعیده رازانی عزیز درگذشت



با تأسف بسیار به اطلاع می‌رسانیم که سعیده رازانی عزیز از اعضای قدیمی حزب کمونیست کارگری در سن ۱۰۰ سالگی روز ۲۴ جولای ۲۰۲۵ در شهر تورنتو درگذشت. درگذشت سعیده عزیز را صمیمانه به فرزندان گرامی‌اش و به سایر اعضای خانواده، دوستانش و اعضای حزب تسلیت می‌گوییم.

سعیده رفیقی دوست‌داشتنی، مدرن، خوش‌فکر، صریح و جسور بود. عمیقاً انسان‌دوست بود و از جمله در دورانی که در دهه چهل شمسی در ایران به وکالت اشتغال داشت، وکالت افرادی را که بضاعت مالی نداشتند داوطلبانه و رایگان به عهده می‌گرفت و تا جایی که در توانش بود از موکلان خود دفاع می‌کرد.

سعیده چند دهه از عمرش را در کانادا گذراند و به دلیل فعالیت‌های اجتماعی‌اش به شخصیت محبوب و شناخته شده‌ای در میان ایرانیان تبدیل شد. در انجمن زنان ایرانی انتاریو شروع به فعالیت کرد و برای دوره‌ای عضو هیئت‌مدیره این انجمن بود و فعالیت‌های مؤثری در دفاع از حقوق زنان انجام داد. به دلیل شخصیت جذاب و دوست‌داشتنی‌اش همیشه مورد احترام دوستان و اطرافیانش بود.

یاد عزیز و گرامی‌اش همیشه در قلب ما باقی خواهد ماند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۲۶ جولای ۲۰۲۵

**حکومت اسلامی نابود باید گردد!**

## مرکز اسلامی هامبورگ باید بسته بماند!

گزارش فشرده‌ای از تظاهرات ۱۹ جولای مقابل مرکز اسلامی هامبورگ

تجمع اعتراضی ۱۹ جولای در هامبورگ، مقابل مرکز اسلامی و مسجد آبی، با موفقیت برگزار شد. این تجمع در مقطع تاریخی معینی برگزار گردید؛ یعنی به دنبال شکست خفت‌بار جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه. در هامبورگ در تلاش برای بسیج نیرو با صرف هزینه‌های گزاف به قصد بازپس‌گیری مرکز اسلامی و بازگشایی مسجد آبی که بعنوان یک مرکز توطئه تروریستی - اسلامی تعطیل شده است مجدداً دست به تقلال زد. که بازم با شکست مواجه شد.

در ژوئیه سال قبل این مرکز، با ۵۳ نهاد زیر مجموعه آن، در هفت استان که پایگاه حیاتی برای ارتزاق محور مقاومت کذایی جمهوری اسلامی در قلب اروپا محسوب می‌شد زیر فشار افشاگری و اعتراضات مداوم بیش از دو دهه فعالان سیاسی اپوزیسیون از جمله حضور مستمر و بی‌وقفه حزب کمونیست کارگری در آلمان و تلاش بی‌وقفه مینا احدی، پلمب و تعطیل گردید. دولت آلمان بالاخره دست از مماشات و سازش برداشت. با استناد به مدارک ۲۲۰ صفحه‌ای وزارت داخله، پلیس به این مرکز حمله کرد و آن را تعطیل و «محمدهادی مفتاح» امام مسجد و نماینده مستقیم خامنه‌ای را از کشور آلمان اخراج کرد.

این یک پیروزی بزرگ و دستاورد مهم در صف‌بندی و تناسب قوا علیه اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی و علیه فعالیت‌های آشکار و نهان تروریستی آن به‌ویژه در آلمان بود.

تقلاً برای جبران این شکست و بازگشایی این مرکز همچنان در دستور کار جمهوری اسلامی باقی ماند. به همین منظور روز شنبه ۱۹ جولای با سرهم کردن و بسیج از چندین شهر در آلمان به قصد راهپیمایی برای بازگشایی این مرکز به بهانه جعلی "محلّی برای عبادت" اقدام کرد.

به ابتکار مینا احدی شخصیت شناخته شده و از رهبران اعتراض به فعالیت این مرکز، روز ۱۳ ماه جون جلسه‌ای تشکیل شد و برای مقابله با تحرک جدید جمهوری اسلامی سازماندهی گردید و جزئیات تجمع اعتراضی، لیست سخنران‌ها و چگونگی برگزاری توسط یک کمیته ۱۲ نفره تصمیم‌گیری شد.

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران، از این فراخوان استقبال کرد و برای حضور فعال اعلام آمادگی کرد و دست بکار شرکت و بسیج نیرو شد.

شنبه ۱۹ جولای از ساعت ۱۲ ظهر، تظاهرات جریان‌ات اسلامی که نهایتاً جمعیتی بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر تخمین زده می‌شد و عمدتاً زنان با پوشش سیاه و عموماً با لجه‌های مختلف زبان عربی حضور داشتند از مقابل هتل آتلانتیک در مرکز شهر هامبورگ شروع شد. اسلامی‌ها در حین راهپیمایی در نقاط مختلف شهر توقف و سخنرانی می‌کردند و خواهان بازگشایی مسجد تحت عنوان "مسجد، محل عبادت برای ما شیعیان است" و "این حقوق دموکراتیک ما است" شدند.

تجمع اعتراضی ما در مقابل جریان‌ات اسلامی از ساعت ۱۳ مقابل مرکز اسلامی هامبورگ شروع و تا ساعت ۱۶ با سخنرانی‌های کوبنده و شعار علیه جمهوری اسلامی ادامه یافت. خبرگزاری‌های متعددی با تهیه گزارش و مصاحبه‌های مختلف این تظاهرات را پوشش دادند و آن را در صفحه اول خود به عنوان یک موضوع مهم منتشر کردند.

پرچم‌های زن زندگی آزادی، پلاکاردهایی برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام و تصاویری از زندان سیاسی در دست شرکت‌کنندگان بود. محل استیج و سخنرانی با پوستر بزرگی از مهسا ژینا امینی تزیین گردیده بود.

سخنرانان همه تأکید داشتند که مرکز اسلامی باید بسته بماند و هرگونه مماشات دولت آلمان مورد اعتراض مخالفین حکومت قرار خواهد گرفت. احزاب سبز و حزب چپ آلمان که با حکومت اسلامی مماشات کرده‌اند مورد نقد سخنرانان قرار گرفتند. مینا احدی و سایر سخنرانان مرکز

اسلامی هامبورگ را بخشی از پیکره کثیف حکومت اسلامی و مرکزی برای توطئه و عملیات تروریستی و نهادی برای اشاعه زن ستیزی و کودک همسری نامیدند.

در حین برگزاری تظاهرات، جمعیتی ۱۲ نفره که اکثراً آلمانی بودند با حمل پرچم اسرائیل به میان تظاهرات آمدند که با اعتراض مستقیم ما روبرو شدند. یک زن آلمانی که پرچم اسرائیل را به دور خود پیچیده بود پس از اعتراض، صف تظاهرات را ترک کرد.

گروهی شناخته شده از شعبان‌بی‌مخ‌های سلطنت‌طلب با پرچم شیروخورشید و عکس‌های رضا پهلوی به قصد تعرض و به‌هم‌زدن نظم تظاهرات و سخنرانی‌ها، تلاش می‌کردند با عریده‌کشی شعار "جاوید شاه" و "مرد مینا احدی" و عکس رضا پهلوی و پرچم شیروخورشید، پشت سر سخنرانان و یا هرجا که دوربین خبرنگاران بود قرار بگیرند و فضای رزمنده و ضد جمهوری اسلامی تجمع را به هم بزنند.

برای جلوگیری از خرابکاری‌های لمپن‌های سلطنت‌طلب که بارها تجمع‌ها علیه جمهوری اسلامی در هامبورگ را به همین شیوه به آشوب کشیده‌اند، چندین بار تذکر داده شد، و از آنها خواسته شد تا به موازین و نظم تظاهرات احترام بگذارند. در نهایت، با درایت سیاسی و با دخالت فعال، با توضیح هدف از برگزاری تجمع علیه مرکز اسلامی و همچنین تمرکز سخنرانان برای بسته ماندن مسجد تا سرنگونی حکومت، توانستیم جو سیاسی تجمع اعتراضی را به درستی هدایت کنیم و عملیات ایذایی این دو جریان، لمپن‌های سلطنت‌طلب و حمل‌کنندگان پرچم اسرائیل که قصد خرابکاری و تحمیل خود به تجمع اعتراضی را داشتند، کنترل و تا حدودی خنثی کنیم.

پس از انتشار تصاویر این تظاهرات، متأسفانه تعدادی از افرادی که خود را چپ معرفی می‌کنند در شبکه‌های اجتماعی شروع به حمله به حزب کمونیست کارگری و مینا احدی کردند. چپ‌های خط امامی که نه کوچک‌ترین اقدامی برای بستن این مسجد کرده‌اند، نه علیه این مسجد کوچک‌ترین موضعی گرفته‌اند و نه از فعالیت‌های مستمر حزب کمونیست کارگری و سایر آزادیخواهان برای بستن این مرکز تروریستی حمایت کرده‌اند. اما به بهانه حضور مشتی لمپن شناخته شده سلطنت‌طلب و پرچم اسرائیل، دست به لجن‌پراکنی تفرانگیزی علیه این تظاهرات، حزب کمونیست کارگری و مینا احدی زدند و عملاً و تمام‌قد در جبهه اسلامی‌ها و حامیان جمهوری اسلامی قرار گرفتند. اینها در تمام افشاگری‌هایشان علیه این تظاهرات و علیه حزب کمونیست کارگری حتی یکبار یادشان نبود که علیه این مسجد و فعالیت‌های تروریستی آن موضعی بگیرند. بنظر می‌رسد بستن این مسجد را غیر دموکراتیک! می‌دانند و معتقدند حقوق اسلامی‌ها نقض شده است! واقعاً جای تأسف است.

پاسخ ما به این منفعلان سیاسی که متأسفانه و به‌ویژه در جریان جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی تفاوتشان با حامیان جمهوری اسلامی را باید با ذره‌بین پیدا می‌کردی و از طرف دیگر در مقابل اوباش سلطنت‌طلبی که تشخیصشان با مزدوران حکومت مطلقاً قابل تشخیص نیست، تلاش بی‌وقفه ما برای بسته نگهداشتن این مرکز تروریستی و سایر مراکز اسلامی-تروریستی جمهوری اسلامی و حضور فعال ما در جنبش زن زندگی آزادی و سرنگونی جمهوری اسلامی است.

در آخر از جانب حزب کمونیست کارگری، به سهم خودم، از همه انسان‌های آگاه و مبارزی که فعالانه، در تظاهرات علیه بازگشایی مرکز اسلامی و مسجد هامبورگ حضور داشتند و صدای مردم ایران برای رهایی از شر حکومت اسلامی ضدبشری و کوتاه کردن دست تروریسم اسلامی بودند، صمیمانه قدردانی می‌کنم و دست همه آنها را به گرمی می‌فشارم. ما یک بار دیگر تأکید می‌کنیم که مرکز اسلامی و مسجد آبی باید تعطیل بماند!

ناصر کشکولی

دبیر تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران

## از خوزستان چه خبر؟

### اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۷ تیر - ۳ مرداد ۱۴۰۴

جمعه ۳ مرداد:

- بحران برق و انرژی تولید شرکت فولاد خوزستان را به شدت محدود کرده و عملاً زنگ خطر فروپاشی تدریجی صنعت فولاد و صنایع وابسته را به صدا درآورده است. کاهش تولید و به تعطیلی کشیده شدن این کارخانه، نورد کاران را در پایین دست با کمبود مواد اولیه مواجه کرده است. به همین ترتیب، صنایع پایین دستی نظیر صنعت ساختمان، خودروسازی و لوازم خانگی نیز با اختلال در تأمین ورق و قطعات فولادی روبه رو شده اند و این معضل کارخانجات فولاد در سطح سراسری است و هرگونه وقفه در تولید فولاد، زنجیره ای از بحران های اقتصادی و اجتماعی را به راه می اندازد که بخش های مختلف اقتصاد کشور را در بر می گیرد. این وضعیت، شغل و معیشت کارگران را به خطر انداخته است و بیکارسازی ها را با خود همراه آورده و موجب کاهش شدید درآمد کارگران شده است. از جمله زغال سنگ، سنگ آهن، فروآلیاژ و الکتروگرافیتی، همهمومه مواد اولیه ای هستند که در صورت افت تولید فولاد، تقاضای خریدشان کاهش یافته و معیشت هزاران شاغل در این بخش ها تحت الشعاع قرار می گیرد. طبق برآوردها، از هر شغل مستقیم در صنعت فولاد، دست کم ۱۸ شغل غیرمستقیم در دیگر بخش های اقتصادی کشور ایجاد می شود. بدین ترتیب، تهدید صنعت فولاد، نه یک تهدید بخشی، که یک تهدید فراگیر و سراسری است. در فولاد خوزستان پرداخت حقوق و مزایای کارگران و امنیت شغلی کارگران به خطر افتاده است و این وضعیت فضایی از اعتراض در این کارخانه و صنایع فولاد ایجاد کرده است.

پنجشنبه ۲ مرداد:

- ریزگردها در سال جاری بیش از ۲۵ استان کشور را درگیر کرده اند. به طور میانگین، سالانه بیش از ۲۵۰ روز هوای ناسالم و طوفان های سمی در بیشتر شهرهای غربی ثبت می شود. طبق آمار رسمی، در سال های اخیر بیش از ۷۰ درصد تالاب های مرزی در نتیجه سیاست های مخرب و چپاولگرانه حکومت خشک شده اند. از جمله سدسازی پررویه، مدیریت نادرست منابع آب و برداشت بی ضابطه از سفره های زیرزمینی، کفه داخلی بحران را سنگین تر کرده و در حال حاضر ایران در فهرست یکی از ۱۰ کشور اول بحران خیز از نظر ریزگردها قرار دارد. خوزستان یک کانون همیشگی آلودگی هوا است. در این رابطه مردم بارها با فریاد، هوای سالم حق مسلم ماست اعتراض کرده اند.

- ۸ شهر ایران از جمله در جمع گرم ترین های جهان قرار گرفتند. در استان خوزستان شوشتر با دمای ۴۹ درجه سانتیگراد بالای صفر در رده نخست گرم ترین های جهان قرار گرفت. همچنین صفی آباد دزفول با دمای ۴۸ درجه سانتیگراد بالای صفر در رده دوم و خرمشهر با دمای ۴۸ درجه سانتیگراد بالای صفر در رده سوم، اندیمشک با دمای ۴۸ درجه سانتیگراد بالای صفر در رده پنجم، اهواز با دمای ۴۷ درجه سانتیگراد بالای صفر در رده نهم، و بندر ماهشهر با دمای ۴۷ درجه سانتیگراد بالای صفر در رده دوازدهم قرار گرفتند. بدین ترتیب گرما بیداد می کند. قطعی های برق مردم را از بهره گیری از حداقل امکانات سرمایه شی. محروم می کند. قطعی های آب نیز مردم تشنه را بی طاقت می کند. برق، آب، زندگی حق مسلم ماست، یک شعار جاری امروز مردم در سطح سراسری است.

چهارشنبه ۱ مرداد:

- گزارشات از ادامه بحران آب و برق خبر می دهد. پیش تر اداره کل

هواشناسی خوزستان نسبت به افزایش دما در امروز و فردا در سطح این استان هشدار سطح قرمز صادر کرده و ادارات تعطیل اعلام شده بود. هم اکنون خوزستان به جهنمی تبدیل شده است. روز گذشته شوش با دمای ۵۲ درجه گرم ترین نقطه این استان بود. به گزارش محمد سبزه زاری، مدیرکل هواشناسی خوزستان با استقرار توده هوای بسیار گرم تا اوایل هفته آینده در این استان، دما در اغلب مناطق خوزستان به ۴۹ و یا ۵۰ درجه سانتیگراد و حتی بیشتر خواهد رسید. این در حالی است که مردم با بحران آب نیز روبرویند و در عین حال از داشتن هرگونه وسایل سرمایشی محروم اند و فضای شهرها به شدت ملتهب است.

بی آبی یک بحران قدیمی تر در خوزستان است، و اکنون کل جامعه را فراگرفته است. بحران آب امروز با بحران برق و قطعی های ممتد آنها زندگی را برای مردم به جهنم تبدیل کرده و جامعه را به نقطه انفجار رسانده است. یک نمونه آن سبزوار در همین هفته است.

تیرماه ۱۴۰۰ خیزش مردم خوزستان علیه بی آبی و تشنگی و سیاست های مافیایی حکومت در قبال محیط زیست که زندگی و معیشت کل جامعه را به نابودی کشانده بودیم. خیزشی که در جریان آن مردم در شهرهای مختلف این استان به خیابان آمدند و با شعارهای "آب ما کو؟ هوای ما کو؟"، "تشنه ام؛ آب حق من است" و "مرگ بر خامنه ای" "مرگ بر دیکتاتور" اعتراض خود را به نظام جمهوری اسلامی، ابراز کردند. اعتراضاتی که در جریان آن دوازده نفر توسط حکومت به قتل رسیدند و مردم این استان دادخواه این عزیزان هستند. با گرامی داشت یاد آنها علیه این جهنمی که حکومت برپا کرده بپا خیزیم.

سه شنبه ۳۱ تیر:

تیرماه است و سالگرد خیزش مردم در خوزستان در سال ۱۴۰۰ علیه بی آبی و بساط مافیایی حاکم و امروز بحران آب همراه با بحران برق و گرمای سوزان و بی سابقه تابستانی یادآور آن روزها برای مردم است. به این مناسبت با نام بردن از ۱۲ جان باخته این اعتراضات که توسط حکومت به قتل رسیدند، یادشان را گرامی می داریم.

۱. مصطفی نعیموای، ۳۰ ساله، شادگان - اهواز، ۱۶ تیر، ۲. قاسم ناصری (خضیری)، ۱۷ ساله - کوت عبدالله، ۱۷ تیر، ۳. محمد چنانی - شوش، ۲۰ تیر، ۴. عیسی بالدی، ۲۷ ساله - ماهشهر، ۲۰ تیر، ۵. محمد کروشوات، ۲۰ ساله، اهواز (کوی علوی)، ۲۰ تیر، ۶. امید آذرخوش، ۲۰ ساله - البگودرز (همراه حمایت از خوزستان)، ۲۱ تیر، ۷. هادی بهمنی، ۱۷ ساله - ایذه، ۲۹ تیر، ۸. فرزاد فریسات (حمزه الفریساوی)، ۲۴ - ۳۲ ساله (بر اساس منابع متفاوت)، اهواز، ۲۱ تیر، ۹. میثم عچرش، ۲۰ ساله - ماهشهر، ۲۱ تیر، ۱۰. حمید مجدم (جوکاری)، چمران، ۱۱. محمد عبداللهی - ایذه، ۱۲. امیر مشاری عبادی، زخمی شد و ۲۳ تیر در بیمارستان کشته شد.

- کارزار سه شنبه های نه به اعدام هفتاد و ششمین هفته خود را در ۴۷ زندان کشور از جمله در زندان های شیبان و سپیدار (بند زنان و مردان) در اهواز و زندان بهبهان در خوزستان پشت سر گذاشت.

- با توجه به روند افزایشی دمای استان و بحران برق، شبکه برق استان با موافقت استاندار خوزستان فعالیت ادارات استان طی روزهای سه شنبه و چهارشنبه هفته جاری را به صورت دورکاری اعلام کرد. در روزهای اخیر و در سوزان ترین مقطع تابستان، قطعی های مکرر آب و برق در سطح سراسری و در اهواز و شهرهای جنوب جهنمی برپا کرده و زندگی میلیون ها نفر از مردم مختل شده است. نبود آب آشامیدنی سالم، خاموشی های شبانه، گرمای طاقت فرسا و بی پاسخ ماندن نیازهای اولیه و به تعطیلی

صادرکننده برتر کشور در حوزه صادرات تیوپ خودرو شناخته شده بود، به طور ناگهانی با توقف کامل تولید مواجه شده است. بدین ترتیب با تعطیلی شرکت، حدود ۴۰۰ کارگر بیکار شده و به آنان اعلام کرده‌اند که برای دریافت بیمه بیکاری اقدام کنند، اما حتی بیمه‌های آن‌ها نیز رد نشده است و این خود باعث محرومیت آنها از حق چندرغاز بیمه بیکاری نیز هست. این کارگران همچنین چهار ماه مزد خود را طلب دارند. کارگران خواهان امنیت شغلی خود و دستمزدهای معوقه‌شان هستند.

#### شنبه ۲۸ تیر:

- حدود ساعت ۲ بعد از ظهر در واحد تقطیر شماره ۷۰ پالایشگاه آبادان در حین عملیات تعمیرات، آتش‌سوزی مهیبی اتفاق افتاد. طبق گزارشات این آتش‌سوزی یک ساعت بعد مهار شد. اما متأسفانه یکی از کارگران بنام آل یاسین، جان خود را از دست داد و تعدادی نیز مجروح شدند که به‌خاطر وخامت حال حداقل ۲ نفر از کارگران برای درمان به بیمارستان‌های اهواز انتقال داده شدند. جان‌باختن همکاران آل یاسین را به خانواده این عزیز گرامی و همکاران تسلیت می‌گوییم. ایمنی محیط کار یک مطالبه فوری کارگران نفت و در سطح سراسری است.

- باتوجه‌به آلودگی هوا در پی آتش‌سوزی در بخش عراقی تالاب هورالعظیم و انتشار دود حاصل از آن به نیمه غربی استان خوزستان، در این روز فعالیت ادارات هویزه، دشت آزادگان، حمیدیه، اهواز کارون و باوی به‌صورت دورکاری انجام گرفت. گرمای سوزان هوا، آلودگی هوا و بی‌تامینی زندگی مردم در این استان را به طور ویژه‌ای ساقط کرده است.

#### جمعه ۲۷ تیر:

- باز هم خبرها از افزایش دما و گرمای شدید در اکثر مناطق کشور به‌ویژه در خوزستان حکایت می‌کند. بنا بر گزارشات تا یکشنبه در اکثر مناطق کشور روند افزایش دما در پیش خواهد بود و در خوزستان از شرایط بی‌هنجار دمایی هوا صحبت می‌شود. در این روز آبادان با ثبت دمای ۵۱/۶ درجه گرم‌ترین شهر جهان شد. همچنین شهرهای امیدیه، اهواز و دزفول نیز در جمع ۱۰ شهر گرم جهان قرار گرفتند. این وضعیت ویژه و بی‌تامینی مطلق، زندگی و کار مردم را مختل کرده و در خوزستان بسیاری از مردم را راهی بیمارستان نموده است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲ مرداد ۱۴۰۴ / ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۵

کشیده شدن شهرها مردم را به خشم درآورده است. این فاجعه اجتماعی - زیست محیطی، نتیجه مستقیم دهه‌ها فساد و اولویت‌های جنگ‌افروزان نظام چپ‌اولگر جمهوری اسلامی است. در دفاع از زندگی و معیشت خود سراسری متحد و هم‌صدا شویم.

- فرشاد اعتمادی‌فر از اهالی استان کهگیلویه و بویراحمد و مسعود جامعی و علیرضا مرداسی (حمیداوی)، دو شهروند عرب اهل اهواز، از سوی شعبه یک دادگاه انقلاب اهواز به ریاست قاضی ادیبی‌مهر، هر یک به دو بار اعدام و یک سال حبس محکوم شدند. بر پایه دادنامه صادره، اتهامات این سه متهم شامل "افساد فی‌الارض"، "عضویت در گروه‌های باقی مخالف نظام جمهوری اسلامی"، "تبلیغ علیه نظام" و "اجماع و تباہی" اعلام شده است. در همین پرونده، دو شهروند دیگر به نام‌های سامان حرمت‌نژاد به ۱۲ سال حبس و داوود حرمت‌نژاد به ۱۵ سال حبس محکوم شده‌اند. این پنج زندانی سیاسی در سال ۱۴۰۲ بازداشت شده بودند. با کارزار سراسری علیه زندان و اعدام هم‌صدا شویم..

#### دوشنبه ۳۰ تیر:

- موج گسترده اخراج کارگران در شرکت تاشای اهواز به راه افتاده است. در این روز از ورود تعدادی از کارگران که قصد ورود به شرکت را داشتند جلوگیری و به آنها اعلام کردند که اخراج هستند. بنا بر گزارشات شرکت ماشین‌سازی تاشا در اهواز طی ۱۲ روز جنگ، ۳۰۰ کارگر و مهندس خود را اخراج کرده است و به گفته کارگران از اول سال با هیچ نیروی قرارداد امضا نکرده‌اند تا هر زمانی که بخواهند راحت اخراج کنند.

- کارگران اخراجی پروژه زمزم ۳ صنایع فولاد خوزستان، با خواست بازگشت به کار همراه با خانواده‌های خود، مقابل این شرکت دست به تجمع زده و به‌رغم ممانعت نیروهای حراست، برای پیگیری خواست خود وارد محوطه مجتمع شدند. این کارگران که در سال‌های گذشته در تمامی مراحل ساخت و احداث این پروژه شاغل بودند، پس از افتتاح آن از کار اخراج شدند. به گفته کارگران این اخراج‌ها در شرایطی صورت گرفته که به آنان در حین ساخت پروژه، وعده اشتغال پس از افتتاح داده شده بود. کارگران اخراجی در همین رابطه در خردادماه نیز تجمعات چندروزه‌ای مقابل این مجتمع فولادی برگزار کرده بودند.

#### یکشنبه ۲۹ تیر:

- بنا بر گزارشات شرکت لاستیک خوزستان که در سال ۱۳۹۶ به‌عنوان

کل هزینه ماشین دولتی و ارتش و سیستم اداری بورژوازی، کل هزینه نهادهای ایدئولوژیکی و فرهنگی جامعه بورژوازی و خرج خیل عظیم کسانی که از طریق این نهادها قدرت بورژوازی را حفظ و حراست می‌کنند، از همین منبع (یعنی با کار کارگر) تأمین می‌شود. طبقه کارگر با کار خود خرج طبقه حاکمه، خرج انباشت روزافزون سرمایه و هزینه سلطه سیاسی و فرهنگی و فکری بورژوازی بر خود و بر کل جامعه را می‌پردازد.  
(از برنامه یک دنیای بهتر)

# انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

[milad\\_rabei@gmail.com](mailto:milad_rabei@gmail.com)



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3  
Bankkontonummer: 9960264 1223793  
IBAN: SE1095000099602641223793  
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli  
Bankverbindung: Postbank  
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23  
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest  
Account holder: WPI  
Account number: 45477981  
Sort code: 60-24-23  
IBAN: GB77NWBK60242345477981  
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID  
کانال جدید